

## تأثیر افزایش نرخ دیه بر مسئولیت شرکت‌های بیمه<sup>۱</sup>

دکتر محمد امامی پور<sup>۲</sup>

### چکیده

به دلیل فاصله نسبتاً طولانی بین وقوع حوادث رانندگی و تصفیه خسارت از سوی شرکت‌های بیمه، عمده دعوی دیه با افزایش نرخ دیه مواجه می‌شوند. از طرفی نیز پرداخت دیه به زیان‌دیده باید به نرخ روز صورت گیرد و در برخی از موارد حداکثر تعهد بیمه‌گر فقط معادل مبلغ بیمه در زمان وقوع حادثه است و مقدار افزایش یافته را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. اکنون که دیه افزایش یافته و مبلغ آن فراتر از حداکثر تعهد در بیمه‌نامه است، چه کسی مسئول پرداخت ما به‌التفاوت است؟ فرض‌های مختلف مسئله در این مقاله بررسی و مسئولیت شرکت‌های بیمه در هر یک از حالت‌های مزبور مشخص شده است.

### واژگان کلیدی

بیمه، افزایش دیه، بیمه‌گر، مسئولیت، بیمه‌گذار

۱. درباره برخی از مباحث این مقاله، در میان داوران و صاحب نظران اختلاف نظر بوده است، اما برای احترام به نویسنده محترم عین دیدگاه‌های ایشان در مقاله درج شده است. ضمن آن که اذعان داریم در برخی از موارد دیدگاه‌های متفاوتی نیز وجود دارد، امید است که این نشریه از دیدگاه‌های صاحب نظران بهره‌مند گردد.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه مفید و وکیل دادگستری

## مقدمه

با توسعه جوامع بشری و گسترش تکنولوژی، خطر نیز، که حاصل کارش جز ویرانی و زیان چیزی نیست، گسترش می‌یابد. ورود ریسک‌های جدید به جامعه گاهی فکر آدمی را چنان مشغول می‌کند که باعث تلخی طعم خوش رفاه و امنیت می‌شود و انسان هر لحظه ثروت و دارایی خود را در معرض خطر می‌بیند. کافی است انسان در حادثه‌ای ناگوار مقصر شناخته شود و تمام آنچه به دست آورده و ذخیره کرده به عنوان غرامت بپردازد و خود با تنگدستی و فقر دست و پنجه نرم کند.

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های برخورد با ریسک، انتقال آن به بیمه‌گر است. نقش بیمه‌گر تشکیل اجتماع بزرگی از بیمه‌گذاران است که در معرض ریسک واحدی قرار دارند. بیمه فواید فراوانی دارد و از جمله کمک مؤثری در توزیع نسبی هزینه‌هاست، سبب افزایش اعتبار بیمه‌گذار می‌شود، نوعی پس‌انداز تلقی می‌شود، اجتماع از بیمه منتفع می‌شود، و مهم‌تر از همه این که بیمه‌گذار با اطمینان خاطر از ابزار پیشرفته و مدرن بهره‌مند می‌شود.<sup>۱</sup> افزایش سالانه نرخ دیه و طولانی بودن روند پرداخت دیه توسط شرکت‌های بیمه - که خود معلول عوامل دیگری از جمله تراکم دعاوی در دادگستری است - سبب می‌شود که بیمه‌گذار نتواند، به‌رغم تهیه بیمه‌نامه، به اطمینان خاطر دست یابد و ناگزیر شود بخشی از خسارت را خود جبران نماید. در این مقاله با بررسی عوامل مختلفی که موجب تأخیر در پرداخت دیه و در نتیجه افزایش مسئولیت پرداخت‌کننده دیه می‌شوند، میزان مسئولیت شرکت‌های بیمه را در قبال افزایش دیه مطالعه خواهیم کرد و در چند مبحث مهم‌ترین عوامل تأخیر پرداخت دیه را بررسی خواهیم کرد. گاه بیمه‌گذار قصور می‌کند و با تأخیر مدارک را تحویل می‌دهد. گاهی شرکت بیمه به کندی روند تسویه خسارت را پیگیری می‌کند و نیز ممکن است کوتاهی شخص زیان‌دیده علت تأخیر باشد. عامل دیگری را نیز بر این‌ها باید افزود که

۱. آیت کریمی، کلیات بیمه، ص ۱۴.

مربوط به زیان‌دیده، بیمه‌گر و بیمه‌گذار نمی‌شود و آن، عامل تأخیر در روند دادرسی و صدور رأی قطعی توسط دادگاه است. از این رو، در چهار مبحث به طرح مطالب خواهیم پرداخت و بیان خواهیم کرد که در چه صورتی شرکت بیمه در قبال افزایش مبلغ دیه نیز مسئولیت دارد و باید آن را پرداخت نماید.

### مبحث اول: تأخیر بیمه‌گذار

به موجب ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، بیمه‌گذار مکلف است ظرف مدت پنج روز از وقوع حادثه اعلام خسارت و مدارک لازم و مورد نیاز بیمه‌گر را فراهم نماید و به او تحویل دهد. در غیر این صورت، به واسطه کوتاهی در اعلام خسارت ظرف مهلت مقرر، بیمه‌گر مسئول نخواهد بود، مگر عواملی خارج از اختیار بیمه‌گذار سبب تأخیر شده باشد. رویه فعلی دادگاه‌ها این است که توجهی به ضمانت اجرای مزبور نمی‌کنند و دفاعیات شرکت‌های بیمه در این زمینه مورد پذیرش دادگاه قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این، ممکن است بیمه‌گذار به موقع اعلام خسارت نماید، ولی در تهیه مدارک مورد نیاز بیمه‌گر و تحویل آنها کوتاهی نماید و همین سبب شود که پرداخت خسارت به سال بعد موکول شود و در نتیجه بیمه‌گری که باید به نرخ روز دیه را پرداخت نماید عهده‌دار افزایش دیه نیز بشود. آیا عادلانه است که تاوان قصور بیمه‌گذار را بیمه‌گر بپردازد؟

بدیهی است گاهی نرخ فعلی دیه بیش از حداکثر تعهد بیمه‌گر در بیمه‌نامه است و گاهی کمتر از آن. در حالت اول، تردیدی وجود ندارد که از نظر اصول و قواعد حقوقی بیمه‌گر فقط تا میزان حداکثر تعهد خود مسئول است و زاید بر آن، که ناشی از قصور و کوتاهی بیمه‌گذار بوده، به عهده خود وی است. بیمه‌گذار در مقابل پرداخت کلیه خسارت‌ها از جمله دیه به نرخ روز مسئولیت دارد و هیچ محدودیتی از حیث میزان خسارت ندارد، ولی بیمه‌گر طبق شرایط بیمه‌نامه مسئولیت قراردادی پیدا می‌کند. هر چند مبلغ دیه افزایش یافته باشد، نمی‌توان او را به بیش از حداکثر تعهد خود

محکوم کرد. در حقیقت مسئولیت بیمه‌گذار از نوع مسئولیت قهری است و باید به نرخ روز تأدیه به پرداخت دیه اقدام کند، ولی مسئولیت بیمه‌گر از نوع قراردادی و تابع شرایط مورد توافق طرفین قرارداد است و به موجب آن مسئولیت بیمه‌گذار تا میزان معینی به عهده بیمه‌گر قرار می‌گیرد و زاید بر آن بر عهده خود بیمه‌گذار خواهد بود.

اما در حالت دوم، یعنی هنگامی که مقدار دیه حتی پس از افزایش، کمتر از حداکثر تعهد بیمه‌گر است باید دید آیا شرکت بیمه مکلف به جبران خسارت و پرداخت دیه به طور کامل است یا مقدار افزایش یافته، که بیمه‌گر هیچ نقشی در آن نداشته و قصور بیمه‌گذار موجب تأخیر و افزایش آن شده است، از قلمرو مسئولیت او کسر می‌شود و بر عهده خود بیمه‌گذار قرار می‌گیرد؟ برای مثال، بیمه‌نامه‌ای در سال ۷۹ با حداکثر ده میلیون تومان تعهد صادر می‌شود. در همین سال که مبلغ دیه شش میلیون و چهار صد هزار تومان بوده حادثه‌ای منجر به فوت رخ می‌دهد و دادگاه بیمه‌گذار را به پرداخت دیه محکوم می‌کند. بیمه‌گذار مدارک مورد نیاز بیمه‌گر را در سال ۸۰ که دیه به ده میلیون تومان افزایش یافته است تحویل می‌دهد. اگر بیمه‌گذار در سال ۷۹، با وجود توانایی و امکان تحویل مدارک، در این کار قصور نمی‌کرد، شرکت بیمه با پرداخت شش میلیون و چهار صد هزار تومان به زیان‌دیده به تعهد خود عمل می‌کرد، ولی تأخیر بیمه‌گذار موجب شد که مبلغ سه میلیون و ششصد هزار تومان به تعهد بیمه‌گر اضافه شود. آیا شرکت بیمه می‌تواند از پرداخت این مبلغ خودداری نماید و در صورت پرداخت به زیان‌دیده، آیا می‌تواند برای استرداد آن از بیمه‌گذار طرح دعوی نماید؟

ممکن است بگوییم با توجه به این که حداکثر تعهد بیمه‌گر ده میلیون تومان است و بیمه‌نامه ده میلیون تومان اعتبار دارد، وی تا سقف ده میلیون تومان مسئولیت دارد. اما با اندکی تأمل در می‌یابیم که عادلانه نیست مسئولیت بیمه‌گذار را که از تقصیر او در رانندگی و یا قصور و کوتاهی در ارائه مدارک نشأت گرفته است به کلی بر دوش بیمه‌گر بگذاریم. اگر شرکت‌های بیمه مبلغ تعهد خود را بیش از دیه تعیین شده در همان

سال تنظیم کنند، برای پوشش دادن تغلیظ دیه تحت پوشش قرار می‌گیرد ولی این بدین معنا نیست که قصور بیمه‌گذار نیز مورد تعهد بیمه‌گر باشد. به عبارتی باید بین مسئولیت بیمه‌گذار در ایجاد حادثه و اضرار به افراد ثالث و بین مسئولیت او در کوتاهی در تحویل مدارک به بیمه‌گر تفکیک قایل شد. آنچه در قلمرو تراضی بیمه‌گر و بیمه‌گذار قرار گرفته است جبران خسارت‌های ناشی از مسئولیت نوع اول است و نوع دوم، موضوع بیمه‌نامه نبوده است. نتیجه این که در چنین فرضی مبلغ سه میلیون و شش صد هزار تومان را خود بیمه‌گذار باید به زیان‌دیده بپردازد. اثبات قصور بیمه‌گذار، با توجه به این که مکاتبات شرکت بیمه با بیمه‌گذار و اقدامات انجام گرفته به دست وی در پرونده ثبت می‌شود، چندان مشکل نیست.

در فرم درخواست خسارت نیز چنین آمده است: «بعد از صدور رأی دادگاه، ظرف مدت حداکثر یک هفته در تکمیل مدارک اقدام می‌نمایم، در غیر این صورت، شرکت بیمه هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال رشد قیمت دیه براساس یوم الادا نخواهد داشت.»

از نظر حقوقی هر جا مهلتی پس از صدور رأی تعیین می‌شود مقصود، پس از قطعی و لازم الاجرا شدن رأی است نه رأیی که قابل تجدید نظر و فرجام باشد.

در پایان این بحث بد نیست به لایحه دفاعیه یکی از شرکت‌های بیمه در این خصوص اشاره‌ای نمایم. در این لایحه آمده است: «ضمناً تاریخ اعتبار بیمه‌نامه از ظهر ۷۷/۱۱/۲۸ لغایت ۷۸/۱۱/۲۸ بوده و میزان حق بیمه براساس نرخ سال ۷۷ بوده و نرخ مذکور را نمی‌توان به نرخ دیه در سال ۱۳۸۰ تسری داد و (که رقم سقف تعهدات دیه در بیمه‌نامه صادر شده این شرکت به این معنا نیست که تمامی تعهدات برای یک مورد دیه قابل پرداخت باشد، بلکه غالباً اتفاق می‌افتد که دیات نقص عضو برای یک شخص بیشتر از دیه فوت یک مرد مسلمان یا قتل در ماه‌های حرام باشد. در این شرایط نیز دیه متعلقه بیشتر از دیه فوت یک مرد مسلمان است.»

## مبحث دوم: تأخیر بیمه‌گر

معمولاً بیمه‌گر تصفیه و پرداخت خسارت را به یکی از سه شیوه زیر انجام می‌دهد:<sup>۱</sup>

۱. به صورت توافقی؛ طبق نظر کارشناس بیمه
۲. از طریق داوری؛ در صورتی که اختلاف ناشی از قرارداد بیمه باشد.
۳. از طریق مراجعه به دادگاه و صدور حکم.

اغلب شرکت‌های بیمه در شرایط عمومی بیمه اجباری شخص ثالث چنین آورده‌اند: پس از آن که بیمه‌گذار و اشخاص ثالث مدارک و اطلاعات لازم و مورد درخواست بیمه‌گر را تسلیم کردند، رسیدگی به پرونده خسارت به منظور تسویه موضوع خسارت آغاز می‌شود. خسارت ظرف مدت پانزده روز از تاریخ توافق طرفین و در صورت ارجاع به داوری یا طرح در محاکم صلاحیت‌دار ظرف پانزده روز از تاریخ اعلام رأی قطعی داوران یا دادگاه صالح تسویه می‌شود.<sup>۲</sup>

اما در عمل به ندرت اتفاق می‌افتد که تسویه خسارت در مهلت اعلام شده تحقق پذیرد. بر فرض که تمام مدارک مورد نیاز بیمه‌گر به همراه دادنامه قطعی تحویل وی شود باز مدت انتظار برای طرح در شورای خسارت نسبتاً طولانی است، به ویژه در غیر مراکز استان‌ها که پرونده باید به مرکز استان یا به تهران ارسال شود و طبق نوبت بررسی شود. در نظر بگیرید که اگر شورای خسارت نیاز به اوراق دیگری از پرونده دادگاه داشته باشد، آن گاه مکاتبه و نامه‌نگاری و تشکیل جلسه مجدد برای بررسی مدارک چقدر زمان خواهد برد؟

سؤال اساسی این است که اگر به واسطه این‌گونه تأخیرها با افزایش دیه مواجه شویم چه کسی مسئول پرداخت مبلغ افزایش یافته است؟ تعیین مهلت پانزده روز برای تسویه خسارت چه ضمانت اجرایی دارد؟ فرض کنیم بیمه‌گذار تمام مدارک لازم را به‌طور کامل در دو ماه مانده به پایان سال ۸۰ تحویل بیمه‌گر داده است، ولی پاسخ قطعی

۱. ماده ۹ شرایط عمومی بیمه اجباری شخص ثالث (بیمه آسیا)

۲. همان، ماده ۱۱

بیمه‌گر و پرداخت خسارت در سال ۸۱، که مبلغ دیه پنجاه درصد افزایش یافته، صورت گرفته باشد. میزان تعهد و مسئولیت بیمه‌گر چه مقدار خواهد بود؟  
برای یافتن پاسخ صحیح باید دو فرض را در نظر گرفت:

الف) حداکثر تعهد بیمه‌گر معادل یا بیشتر از دیه‌ای است که افزایش یافته است. مثلاً حداکثر تعهد بیمه‌گر شانزده میلیون تومان است و دیه پانزده میلیون تومان.  
ب) حداکثر تعهد بیمه‌گر کمتر از میزان فعلی دیه است مثلاً مبلغ دوازده میلیون تومان را متعهد شده است.

درفرض اول به دلیل این که بیمه‌گذار و زیان دیده هیچ نقشی در تأخیر نداشته‌اند، دیه باید به قیمت یوم‌الادا از سوی بیمه‌گر پرداخت شود، زیرا از حداکثر تعهد بیمه‌گر فزونی نیافته و تردیدی وجود ندارد که افزایش دیه مشمول تعهدات بیمه‌گر خواهد بود. اما در فرض دوم ممکن است این شبهه به ذهن آید که به هر حال به موجب قرارداد بیمه حداکثر تعهد بیمه‌گر دوازده میلیون تومان است و وی زاید بر آن را مسئول نیست ولیکن باید از یاد نبریم که از نظر حقوقی، قرارداد یگانه منشأی تعهد نیست، بلکه عوامل دیگری مانند تسبیب ایجاد تعهد می‌کنند. هرگاه بیمه‌گر به دلیل تأخیر در پرداخت دیه موجب افزایش تعهد بیمه‌گذار در قبال زیان دیده شود، مسئولیت پیدا می‌کند. بدین ترتیب بیمه‌گر افزون بر حداکثر تعهد را به دلیل مسئولیت قهری ضامن است و می‌باید از عهده خسارت برآید.

مهلت دو ساله‌ای که در قانون برای پرداخت دیه وجود دارد نیز مجوزی برای تخطی از مهلت پانزده روزه دیه است. فرض کنیم ده روز مانده به پایان سال ۸۰ مدارک تحویل بیمه‌گر شده و حداکثر تعهد نیز دوازده میلیون تومان بوده و در مهلت مقرر تسویه خسارت صورت گرفته است. از سوی دیگر، در سال ۸۱ دیه از ده میلیون تومان به پانزده میلیون تومان افزایش یافته است. تردیدی وجود ندارد که شرکت بیمه

مکلف به پرداخت پانزده میلیون تومان نیست. حال باید دید که بیمه‌گر ملزم به پرداخت ده میلیون تومان به نرخ سال ۸۰ خواهد بود یا دوازده میلیون تومان که حداکثر تعهد است؟

شرکت‌های بیمه عقیده دارند افزونی حداکثر تعهد بر نرخ دبه هنگام انعقاد قرارداد بیمه به خاطر تحت پوشش قرار دادن موارد تغلیظ دبه یا مواردی است که ثالث به شدت زیان دیده و دینه صدمات وارده از دینه کامل فراتر رفته باشد و شامل موارد افزایش دبه نمی‌شود. بنابراین خود را مکلف به پرداخت ده میلیون تومان در فرض مسئله می‌دانند، ولی غالباً چنین استدلالی مورد پذیرش دادگاه‌ها قرار نمی‌گیرد و شرکت‌های بیمه تا سقف حداکثر تعهد خود محکوم می‌شوند.

### مبحث سوم: تأخیر زیان دیده

اصولاً بیمه‌گر برای گریز از افزایش دبه و بیمه‌گذار برای رهایی از جنبه عمومی جرم تلاش می‌کنند تا روند تسویه خسارت زودتر طی شود. اما تنها فردی که از تسویه خسارت نفع مستقیم می‌برد زیان دیده است و شاید در بدو امر عجیب به نظر آید که زیان دیده در گرفتن خسارت تأخیر نماید، اما یوم الادا بودن دبه و افزایش دبه در هر سال، به ویژه اگر به طور نامتعارف افزایش یابد، چه بسا زیان دیده را وادارد که چند ماه صبر کند و در سال جدید به نرخ روز دبه را مطالبه نماید.

تأخیر زیان دیده در مطالبه دبه علل دیگری نیز دارد. از جمله این که مطالبه خسارت منوط به تهیه مدارکی مانند حصر وارث است که ممکن است چندین ماه طول بکشد و بالاخره گاهی استفاده از حق تجدید نظرخواهی سبب می‌شود قطعیت رأی به تأخیر افتد. صورت‌های گوناگون تأخیر زیان دیده در ادامه بررسی می‌شود:

الف) زیان‌دیده بدون هیچ دلیلی و تنها به منظور دستیابی به مبلغی بیشتر، مطالبه را در سال جدید به عمل می‌آورد. در این فرض مسئول پرداخت دبه می‌تواند با تودیع



دیه در صندوق دادگستری مانع افزایش تعهد خود شود. مهلت دو سال نیز به نفع مسئول پرداخت دیه است که او می‌تواند از این حق خود صرف‌نظر کند و دیه را زودتر پردازد. ماده ۲۷۳ قانون مدنی می‌گوید: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند، متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام، مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود.»

ایفای تعهد ایقاع است نه عقد. بنابراین اراده متعهد در تحقق آن کافی است و لزومی ندارد متعهدله به آن رضایت دهد. در نتیجه با تودیع در صندوق دادگستری راه افزایش تعهد بسته می‌شود.

ب) هنگامی که تأخیر زیان دیده در مطالبه خسارت ناشی از حق قانونی وی باشد. برای مثال، حکم بدوی قابل تجدیدنظر در اواخر سال ۸۰ صادر شده است و زیان دیده می‌تواند با انصراف از حق تجدید نظرخواهی و مراجعه به شرکت بیمه مبلغ ده میلیون تومان دیه را مطالبه نماید، ولی با استفاده از حق تجدید نظرخواهی زمان قطعیت یافتن حکم دادگاه رابه سال جدید منتقل می‌کند و با توجه به این که شرکت بیمه مکلف است دیه را به مبلغ زمانی که حکم قطعی شده است پردازد، افزایش دیه نیز به وی قابل پرداخت خواهد بود. آیا در فرض مزبور راهی برای شرکت‌های بیمه وجود دارد تا از پرداخت مبلغ افزایش یافته امتناع نمایند؟

گاهی زیان‌دیده به رأی صادره واقعاً اعتراضی ندارد و اگر مسئله افزایش دیه مطرح نبود، در مطالبه خسارت درنگ نمی‌کرد و انگیزه او از استفاده از حق تجدیدنظرخواهی چیزی نیست جز بهره‌مندی از افزایش دیه سال جدید. شاید به لحاظ این که زیان‌دیده اجرای حق خود را وسیله اضرار به دیگران قرار داده است بتوان او را به عنوان سوء استفاده کننده از حق، از مبلغ افزایش یافته محروم نمود و به ویژه، اگر شرکت بیمه قبل از سال جدید اقدام به تودیع دیه در صندوق دادگستری و افزایش دیه کرده باشد، بدون تردید زیان‌دیده از مبلغ افزایش یافته محروم خواهد شد. در اصل چهلم قانون

اساسی چنین آمده است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

اما اگر واقعاً دادنامه صادره مورد اعتراض اوست، مثلاً مقصر حادثه به پرداخت پنجاه درصد دیه محکوم شده و او معتقد است که مستحق دیه کامل است، در این فرض دلیلی برای معاف شدن بیمه‌گر در قبال افزایش دیه وجود ندارد و زمان صدور حکم تجدید نظر، معیار پرداخت دیه قرار می‌گیرد، زیرا در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها معیار پرداخت دیه، زمان قطعی شدن حکم دادگاه ذکر شده است. البته این مطلب که زیان دیده از حق سوء استفاده کرده و تنها به دلیل بهره‌مندی از نرخ جدید دیه اقدام به تجدید نظر خواهی نموده به عهدهٔ بیمه‌گر است و به راحتی قابل اثبات نیست.

### مبحث چهارم: تأخیر در روند دادرسی

غالباً بین زمان وقوع حادثه و تسویه خسارت مدتی بیش از یک سال فاصله می‌افتد و عمدهٔ این فاصله ناشی از کندی روند دادرسی است. اوقات رسیدگی طولانی است و معمولاً دعاوی به چندین جلسه رسیدگی نیاز دارند. مرحلهٔ تجدید نظرخواهی نیز قطعیت حکم را به تأخیر می‌اندازد. کمتر موردی مشاهده شده که حادثه‌ای در همان سال به صدور حکم قطعی و پرداخت خسارت توسط شرکت بیمه منتهی شده باشد.

باید دید این تأخیر، که منشأی آن زیان دیده، بیمه‌گذار یا بیمه‌گر نیست و صرفاً مربوط به روند دادرسی است، اگر موجب افزایش دیه شود، چه کسی مسئول پرداخت آن است؟ راننده‌ای که مسئولیت خود را نزد شرکتی بیمه کرده و پوشش کامل دیه را خریداری کرده است چه توجیهی برای مسئول شناختن او در قبال افزایش دیه وجود دارد؟ از طرف دیگر، تحمیل این مبلغ بر دوش بیمه‌گری که در زمان قرارداد بیمه با محاسبهٔ دیه به نرخ آن زمان حق بیمه دریافت کرده است نیز عادلانه به نظر نمی‌رسد. همچنین محروم کرده زیان‌دیده از مبلغ افزایش یافته با لزوم پرداخت دیه به نرخ

یوم‌الادا سازگار نیست و با فلسفه ضمانت حقوق زیان‌دیده هماهنگ نیست. پس در این میان چه کسی باید بار فزونی دیه را بر دوش کشد؟ آیا می‌توان قاضی مسئول رسیدگی به پرونده یا قوه قضائیه را مسئول شناخت؟ بی‌گمان اگر قاضی به واسطه تسامح و کوتاهی و تجدید جلسات بدون دلیل سبب این تأخیر شده باشد مسئول شناخته می‌شود. در اصل صد و هفتاد و یکم قانون اساسی چنین می‌خوانیم: «هرگاه بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» ولی اگر تراکم دعاوی، کمبود قاضی و سیر طبیعی رسیدگی چنین تأخیری را ایجاد نماید، هیچ‌کسی را نمی‌توان مسئول دانست و بهترین فردی که افزایش دیه را باید پذیرا باشد مقصر حادثه (بیمه‌گذار) است زیرا او در مقابل زیان‌دیده مسئولیت قهری دارد و باید تمام دیه را به نرخ روز ادا به زیان‌دیده پرداخت نماید. آنچه را به موجب قرارداد نزد شرکت بیمه نموده است توسط بیمه‌گر پرداخت می‌شود و زاید بر آن بر عهده خود اوست. تنها در یک مورد می‌توان شرکت بیمه را در خصوص افزایش دیه، حتی در صورتی که بیش از حداکثر تعهد آن باشد، مسئول شناخت و آن در موردی است که طولانی شدن روند دادرسی به سبب اقدام شرکت بیمه باشد. برای مثال در پرونده‌ای علیه شرکت بیمه، بیمه‌گذار الزام شرکت را به پرداخت دیه کامل در خواست می‌کند. پس از رسیدگی، شرکت بیمه محکوم به پرداخت دیه می‌شود و اقدام به تجدید نظر خواهی می‌کند و رأی دادگاه تجدیدنظر در سال بعد که دیه افزایش یافته صادر و ابلاغ می‌شود. آیا شرکت بیمه می‌تواند اعلام کند که حداکثر تعهد شرکت ده میلیون تومان است و بیش از آن تعهدی ندارد؟ قطعاً اگر بیمه‌گر اقدام به تجدید نظر خواهی نمی‌کرد و در همان سال قبل دیه را می‌پرداخت، بیمه‌گذار و شرکت در مقابل زیان‌دیده بری الذمه می‌شدند. اما اکنون که موجب تأخیر

در تسویه خسارت شده و افزایش دیه را بر دوش بیمه‌گذار قرار داده است، از باب مسئولیت فهری در قبال افزایش دیه مسئولیت دارد.

## پیشنهاد

### ۱. تهیه بیمه‌نامه دیه کامل به جای مبلغ معین

برای پایان بخشیدن به بحث مسئولیت شرکت‌های بیمه در قبال افزایش دیه و همچنین اطمینان خاطر دادن به بیمه‌گذاران در مورد پوشش کامل خسارت، به نظر می‌رسد بهترین راه آن باشد که بیمه‌نامه‌ای تهیه شود که افزایش احتمالی دیه را تحت پوشش قرار دهد و مبلغ معین به عنوان حداکثر تعهد بیمه‌گر مشخص نشود، بلکه حداکثر تعهد بیمه‌گر معادل دیه کامل به قیمت زمان پرداخت ذکر شود. محاسبه حق بیمه بر اساس مبلغ دیه‌ای باشد که توسط شرکت بیمه پیش‌بینی می‌شود و با هماهنگی قوه قضائیه تعیین و از بیمه‌گذار اخذ شود. از نظر حقوقی این نوع بیمه با اشکالی مواجه نیست و مجهول بودن حداکثر تعهد شرکت بیمه، سبب بطلان عقد بیمه نخواهد بود. زیرا اساس بیمه بر احتمال و غرر نهاده شده است و لازم نیست مانند سایر عقود تمام تعهدات معین باشد.

به علاوه، حداکثر تعهد شرکت بیمه امکان تعیین دارد و با مشخص شدن نرخ دیه در هر سال تعهد شرکت نیز معین می‌شود و همین قابلیت تعیین برای نفوذ و صحت قرارداد کافی است.

### ۲. تفکیک دعاوی متعدد

گاهی اتفاق می‌افتد که در یک حادثه رانندگی چند نفر فوت می‌کنند و عده‌ای مصدوم می‌شوند. رسیدگی قضایی در این موارد به سرعت انجام می‌گیرد و با مشخص شدن علت فوت و تقصیر عمل زیان دیده، صدور حکم تشریفات دیگری ندارد، ولی به دلیل همراه شدن پرونده با تعدادی مصدوم و طول درمان‌های طولانی آنها برای

نظرنهایی و قطعی پزشک قانونی، رسیدگی به کل پرونده از جمله موارد فوت به تعویق می‌افتد و در نتیجه افزایش دیه دامنگیر بیمه‌گذار و بیمه‌گر می‌شود. گاهی علت طولانی شدن رسیدگی قضایی و صدور حکم، که مبنای تعهد بیمه‌گر است، تعداد زیاد زیان‌دیدگان و عدم حضور برخی از شاکیان است. مثلاً اگر ده دستگاه اتومبیل در اتوبان به یکدیگر برخورد کنند، یک پرونده برای حادثه تشکیل می‌شود و حضور همه شاکیان یا ورثه آنان برای رسیدگی ضرورت پیدا می‌کند و با عدم حضور برخی از آنان پرونده معطل می‌ماند. به نظر می‌رسد با توجه به ملاک مواد ۱۸۳ و ۲۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، که تفکیک به لحاظ تعداد اتهام و یا تعدد متهمان را پذیرفته است، شایسته است قاضیان محترم پرونده‌هایی را که شاکیان متعددی دارند را نیز تفکیک نمایند و از این طریق به تحقق اهداف بیمه سرعت بخشند.

### ۳. حل و فصل شدن دعاوی بیمه‌ای در شعب ویژه یا اتاق داوری

باتوجه به این که طولانی بودن رسیدگی قضایی مهم‌ترین عامل تأخیر تسویه خسارت و مواجه شدن با افزایش دیه است به نظر می‌رسد اختصاص شعب ویژه تصادفات و رسیدگی خارج از نوبت یا فعال کردن اتاق داوری می‌تواند به روند تسویه خسارت سرعت بخشد و زیان‌دیده را برای جبران خسارت مدت طولانی در انتظار نگذارد.

### نتیجه‌گیری

آنچه به عنوان یافته اصلی تحقیق حاضر می‌توان مطرح کرد این است که در همه موارد افزایش دیه نمی‌توان مسئولیت را به دوش فقط بیمه‌گر یا بیمه‌گذار یا زیان‌دیده گذاشت، بلکه با در نظر گرفتن علت تأخیر در پرداخت دیه، در هر مورد مسئول پرداخت مابه‌التفاوت دیه زمان وقوع حادثه و پرداخت دیه متفاوت است. هرگاه بیمه‌گذار موجب تأخیر تسویه خسارت شود و در نتیجه دیه افزایش یابد، نباید بیمه‌گر

را مسئول بشناسیم. ولی در مواردی که کندی تسویه خسارت ناشی از اقدامات بیمه‌گر باشد، برای مثال از مهلت دو ساله قانونی برای پرداخت دیه استفاده کند، به طور کلی باید شرکت بیمه را در قبال مبلغ افزایش یافته مسئول بدانیم و قاعده تسبیب جریان پیدا می‌کند.

همچنین در مواردی که خود زیان‌دیده عامل تأخیر در تسویه خسارت باشد. فقط در یک حالت از سه حالت مطرح شده در مقاله بیمه‌گر مسئول نیست و سرانجام اگر تأخیر در روند دادرسی موجب افزایش دیه شده باشد، بهترین فردی که افزایش دیه را باید بپذیرد باشد مقصر حادثه (بیمه‌گذار) خواهد بود.

تهیه بیمه‌نامه کامل دیه، تفکیک دعاوی بزرگ و ارجاع به داوری سه راه حل برای جلوگیری از به وجود آمدن تأخیرهای مربوط به افزایش دیه است.

## منابع

۱. کریمی، آیت. (۱۳۷۸)، کلیات بیمه، تهران، بیمه مرکزی ایران.
۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۰)، ضمان قهری، چاپ دانشگاه تهران.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. انی و مطالعات فقهی
۴. قانون بیمه مسئولیت مدنی دارندگان اتومبیل مصوب ۱۳۴۷.
۵. قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶.
۶. شرایط عمومی بیمه‌نامه شخص ثالث.
۷. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸.